

نهادهای و شیوه‌های خط مشی‌گذاری عشایری در دولت پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۴ ه.ش.)

دکتر نفسیه واعظ*

چکیده

در این پژوهش تلاش شده است تا نوع و جایگاه نهادهای سیاستگذار برای ایلات و عشایر در دوره پهلوی اول توصیف و تحلیل شود. بر پایه قانون اساسی ایران، در ساختار حقوقی قدرت سه نهاد سلطنت، مجلس شورای ملی و هیأت وزرا از حق قانونی برای سیاستگذاری، از جمله برای ایلات و عشایر برخوردار بودند، اما در ساختار حقیقی قدرت، شان رسمی پادشاه در تصمیم‌گیری، مؤلفه‌های فردی رضاشاه، باور داشت‌های منفی او در باره بازدارندگی جامعه ایلی و عشیره‌ای در پروژه نوسازی کشور و صدور فرمانهای متعدد در باره آنان، در حقیقت جایگاه منحصر به فردی در خط مشی‌گذاری ایلی و عشیره‌ای به رضا شاه در مقایسه با مجلس و هیأت وزرا بخشیده بود.

در این پژوهش، همچنین جایگاه مجلس در فرآیند سیاستگذاری از رهگذر مصوبات عام و خاص برای ایلات و عشایر نیز تحلیل شده است و بنا بر نتایج این تحقیق، مجلس هشتم با تصویب هشت مصوبه برای ایلات و عشایر، از همسوترین و پرکارترین مجالس دوره پهلوی در خط مشی‌گذاری برای ایلات و عشایر بوده است.

همچنین هیأت وزیران از طریق تقدیم لوایح و گذراندن "تصویب نامه"، "بخشنامه"، "اساسنامه" و "آیین نامه" در جریان سیاستگذاری مشارکت می‌نمود. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که متغیر شخصیت رضا شاه بر سایر نهادهای سیاستگذار اولویت می‌یافت و عموماً به دلیل مقام پادشاهی و فرمانده کل قوا بودن، سایر نهادهای اصلی و فرعی را تحت شعاع جایگاه فراقانونی و تلقی و اشتیاقهای مدرنیستی خود از مسأله پیچیده و چند وجهی ایلات و عشایر قرار می‌داد.

واژه‌های کلیدی

رضاشاه، ایلات و عشایر، نهاد سلطنت، مجلس شورای ملی، هیأت وزرا، دولت پهلوی اول

* استادیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا.

بیان مسأله

فراهم شدن شرایط داخلی و خارجی، همچون: بحران ناکار آمدی و فرو پاشی قدرت در آخرین دهه‌های حکومت قاجار، و بخصوص در دوره احمدشاه، گسست در جریان نوسازی ایران و اشتیاق و اهتمام به تداوم آن از طریق دولت قوی مدرن و انجام اصلاحات از بالا، عواقب وخامت بار جنگ جهانی اول (واعظ، ۱۳۸۸: ۱۳۱)، و انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ سبب شد که دولت پهلوی اول از تقارن مثبت شرایط داخلی و خارجی فوق‌الذکر به سود تشکیل یک دولت متمرکز در ایران بهره‌بردار، اما در همان سپیده دم قدرت یابی، دولت پهلوی اول با مسأله ایلات و عشایر روبه‌رو شد، زیرا جامعه عشایری ایران با ستیزه‌های مداوم ایلی و عشیره‌ای و تمرکز گریزی، خود سری‌های دامنه دار و برقراری نظامی که به ملوک الطوائفی در ایران موسوم شد، موجبات ناامنی در کشور را فراهم کرده بودند. همچنین هویت متکثر جامعه ایلی و عشیره‌ای، نظم گریزی، حاکمیت شدید عرف و عادت در نظام ایلیاتی، گویش و پوشش متفاوت آنان در تعارض آشکار با سیاست دولت مرکزی قرار گرفت. گذشته از آن، کوچ روی، تولید مبتنی بر اقتصاد شبانکاره ای و شیوه امرار معاش ایلات و عشایر با اهداف دولتی که در صدد استقرار یک سازمان اداری نوین، رشد و گسترش شهرنشینی و توسعه خطوط جاده‌ای بود، در تعارض جدی قرار می‌گرفت.

بنابراین، چاره جویشی برای ایلات و عشایر در اولویت و دستور کار دولت نوین قرار گرفت و سیاست عشایری دولت بر این سه بنیاد پی ریزی شد: ۱. سیاست خلع سلاح؛ ۲. سیاست سلب قدرت از سران ایلات و عشایر؛ ۳. سیاست اسکان که این خط مشی با برنامه‌هایی

برای فرهنگ سازی و فرهنگ زدایی تکمیل گردید.

نبود پژوهش مستقلی در باره منابع و رویه‌های سیاست گذاری عشایری دولت پهلوی اول از ضرورت‌های اساسی در انجام این نوشتار به شمار می‌رود و تاکنون این موضوع مورد کم توجهی و گاه بی‌مهری پژوهشگران داخلی و خارجی قرار گرفته است.

در همین راستا، در نوشتار حاضر کوشش شده است تا بر پایه اسناد مراکز اسناد ایران، منابع دست اول، خاطرات سیاستگذاران و آگاهان و نشریات داخلی و خارجی دوره رضا شاه و به روش توصیفی و تحلیلی، جایگاه نهادهای سیاستگذار دوره پهلوی اول در قبال جامعه ایلی و عشیره‌ای بررسی شود.

پرسش اصلی این پژوهش، آن است که نهادهای اصلی سیاستگذار برای ایلات و عشایر در دوره پهلوی اول کدام بوده است؟ دیگر پرسشهای این تحقیق عبارتند از: ۱. متغیر شخصیت رضا شاه احتمالاً طرح ویژه فکری و برداشتهای وی چه تأثیری بر فرآیند تصمیم گیری درباره ایلات و عشایر داشته است؟ ۲. چگونه نهادهای اصلی و فرعی سیاستگذار در این دوره، به خط مشی گذاری برای ایلات و عشایر می‌پرداخته‌اند؟

فقرات اساسی بنیاد فرضیه حاضر بر این قرار است که سه نهاد عام سلطنت، مجلس شورای ملی و هیأت وزرا از نهادهای اصلی بودند که خطوط اصلی سیاست عشایری را تدوین و تبیین نمودند، ولی به دلیل ماهیت دولت خودکامه پهلوی اول، تجربیات و مؤلفه‌های فردی رضاشاه، در عمل در سیاستگذاری عشایری نهاد سلطنت، دو نهاد دیگر را تحت شعاع دریافته‌ها و تصمیمات خود قرار داد و هر سه نهاد تحت تأثیر ضرورتها و اشتیاقهای نوسازی آن زمان، قرار داشتند.

پیشینه تحقیق

در نوشته‌های داخلی مثل **عرف و عادت در عشایر قشقایی** از محمد بهمن بیگی، به شرح عادات این جامعه و بیان اهداف دولت از سیاست عشائری و نقد رفتار مجریان پرداخته شده است. در مقاله‌های فصلنامه **عشایر ذخایر انقلاب** عمدتاً به انتقاد و مخالفت با سیاست عشائری با تعصب و بعضاً آمیخته به بغض پرداخته شده و درباره منابع و نحوه سیاستگذاری سخنی به میان نیامده است، و در **کوچ نشینی در ایران** از سکندر امان‌اللهی که بعدها مورد ارجاع مکرر ماخذ دیگر واقع شد، فهرست برنامه‌های دولت و کلیاتی از سیاست عشائری با نگاه مردم‌شناسانه ذکر شده است، **سیاست و حکومت و عشایر عزیز** کیاوند، نیز پیش از آن که در خصوص روند سیاستگذاری و عملکرد نهادهای اجرایی به تحقیق پرداخته باشد، به توصیف ارکان سیاست عشائری بسنده کرده است. در اثر نقیب زاده با نام **دولت مطلقه رضا شاه و نظام ایلی** با دید جامعه‌شناسی سیاسی نوشته شده، نه تنها به نهادهای سیاستگذار به طور خاص پرداخته نشده که حتی دلایل کافی دال بر اثبات تحقق برنامه‌ریزی عشائری نیز در ساختار یک دولت مطلقه ارائه نشده است.

در اثر ارزنده کاوه بیات با نام **شورش عشائری فارس** بیشتر به واکنش جامعه عشائری به خط مشی-گذاری دولت توجه شده است. در آثار محققان خارجی، مثل آن لمبتون در **مالک و زارع در ایران** پیامدهای سیاست عشائری تحلیل شده است پیر ابرلینگ در **"کوچ نشینان قشقایی فارس"** با جانبداری شدید به تشریح پیامدهای آن سیاست توجه نشان داده است. و از پرداختن به چگونگی سیاستگذاری غفلت

کرده است و در مقاله **تاپیر** به اسم "نمونه ایلی شاهسون" و در نوشته استنفانی کرونین با نام **"رضا شاه و فروپاشی قدرت بختیاری در ایران"** نیز هریک از زاویه علاقه و تخصص خود به موضوع ایلات و عشایر پرداخته‌اند و به موضوع نهادها و فرآیند سیاستگذاری برای ایلات و عشایر بی توجهی کرده‌اند. در آثار صفی‌نژاد، هیبت‌الله غفاری، ایرج افشار به مناسبت حوزه تحقیقی مورد علاقه خود به حیات ایلی و عشیره‌ای پرداخته و هیچ کدام بخصوص به موضوع جایگاه مجلس و هیأت دولت نپرداخته‌اند.

نهادهای اصلی سیاستگذاری در دوره پهلوی اول

سه نهاد سلطنت، مجلس شورای ملی و هیأت وزراء، از منابع اصلی سیاستگذاری به شمار می‌رفتند، اما بنا به ضرورت، گاه نهادهای فرعی همچون "کمیسیون اسکان" و "کمیسیون تعویض املاک" در حیطه خاصی، مانند اسکان ایلات و عشایر برای ساماندهی به اوضاع وارد عمل شدند که در سطور زیرشان تصمیم‌گیری هریک از نهادهای اصلی و فرعی و روند سیاستگذاری برای این جامعه در دوران یک دولت مطلقه مدرن^۱ بررسی شده است:

۱- بررسی جایگاه نهاد سلطنت در فرآیند

سیاستگذاری در دوره پهلوی اول

عالیترین مقام قوه مجریه در این دوره پادشاه بوده است و طبق اصل ۲۷ قانون اساسی مشروطیت "پادشاه" مستقلاً حق انشای قانون را داشته است. با این یادآوری که در هر زمان عالیترین مقام تصمیم‌گیرنده می‌تواند به گونه حداقلی یا حداکثری از حقوقی که قانونگذار برای آن لحاظ نموده، استفاده نماید و نوع و میزان

استفاده از آن به خلق و خوی فردی و شرایط محیطی ارتباط می‌یابد.

رضاشاه در دوران سلطنت خود از این حق قانونی برای پیشنهاد لایحه و نوشتن قانون استفاده نکرد. با وجود این، بخصوص در نیمه دوم سلطنت، در عمل یگانه مرکز تصمیم‌گیری واقعی در کشور بود؛ به طوری که سایر مراکز تصمیم‌گیری قانونی عمدتاً جنبه تشریفاتی پیدا کرده بودند.

مجلس شورای ملی یک بار با تصویب "ریاست عالی کل قوای دفاعیه و تأمینیه (امنیه) مملکتی" و بار دیگر در ۹ آبان ۱۳۰۴ با تصویب قانون "اعلام انقراض قاجار و واگذاری حکومت موقت در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی به رضا خان"، پایه‌های قانونی برای حاکمیت وی را فراهم کرد و تفویض سلطنت به او در ۲۱ آذر ۱۳۰۴ از سوی مجلس مؤسسان بیش از پیش موقعیت قانونی رضاشاه را مستحکم ساخت.

بدینسان، پهلوی اول در ساختار حقوقی قدرت از جایگاه مهمی در جریان تصمیم‌گیری درباره ایلات و عشایر هم به لحاظ مقام پادشاهی و هم به دلیل فرماندهی کل قوا برخوردار بود و لذا دستورهای رضاشاه به عزل و نصب مقامات لشکری و کشوری در مناطق عشایری، از جایگاه قانونی برخوردار بود.

اما باور یا عادت نسبت دادن همه تصمیمات خرد و کلان به شاه (صدر، ۱۳۸۱: ۸۰) و نه مجموعه نهادهای تصمیم‌گیرنده حتی به آثار و نوشته‌هایی محققانه مرتبط با دوره پهلوی اول نیز راه یافته است.

برای نمونه، در همان دوره نخست‌وزیری رضا خان، وقتی شیخ خزعل در رویارویی با نیروهای دولت، مغلوب و مجبور به تسلیم شد، شکست او

مستقیماً به بی‌باکی و درایت رضاخان نسبت داده شد؛ به طوری که حتی وابسته نظامی دولت شوروی نیز "برانداختن قوه و نفوذهای شخصی متفقدین محلی و عشایر و به خصوص برانداختن شیخ خزعل" (بهار، ۱۳۷۹، ج ۲: ۲۱۵) را یکی از موفقیت‌های درخشان و قابل ستایش برشمرده است.

اما صرف نظر از این دیدگاه عام در باره مقام پادشاهی، دو موضوع سهم رضاشاه در تصمیم‌گیری برای ایلات و عشایر را پررنگ تر می‌ساخت: یکی تجربیاتی که رضاخان در دوره سردار سپه و نخست‌وزیری، در اثر کشاکش‌های مداوم با ایلات و عشایر آموخت و دیگری برخورداری از پایگاه نظامی که ماهیت تصمیم‌های او را از پادشاهی با خاستگاه غیر نظامی متفاوت می‌ساخت.

الف) خصوصیات و جایگاه رضاشاه در جریان سیاست‌گذاری

رضاشاه علاوه بر جایگاهی که قانون اساسی برای مشارکت در تصمیم‌گیریها به او داده بود، به خاطر دارا بودن مؤلفه‌های بسیار خاص (Peter, 1991, vol7: 235)، بسیار فراتر از جایگاه قانونی در همه امور تصمیم‌گیری می‌کرد.

در این گفتار، برخی از خصوصیات متناقض رضاشاه را که در اغلب موارد بر روند سیاست‌گذاری برای ایلات و عشایر تأثیر می‌گذاشت، برمی‌شماریم:

ملک الشعراى بهار، از مخالفان رضاخان از او در دورانی که هنوز به پادشاهی نرسیده بود، با این صفات یاد می‌کند: "فرمانروای حقیقی مملکت؛ حقه‌باز، دیسه‌گر و توطئه‌چین، دارا بودن حس ضدبیکانه، دوران‌دیش و پرکار، اعجوبه، مدبر و مقتدر، مغرور و

ب) مواضع رضاشاه در قبال جامعه عشایری ایران
اعتقاد به تشکیل ارتش ثابت ملی که در آن نیازی به حضور نیروهای سیار و سستی ایلات و عشایر نباشد، از همان سالهای سردار سپهی به اندیشه رضاخان راه یافت.

استنباط رضاشاه از مسأله‌ای اطاعت‌پذیری و اطاعت‌ناپذیری و هم‌آوایی و غیر هم‌آوایی جامعه عشایری با سیاست کلان کشور، آن بود که آنان نافرمان و مستحق "سرکوب" هستند؛ چنانکه فرج‌الله آق‌اولی وقتی با مباحثات از خلع سلاح، گردن زدن، اعدام ایلات و عشایر عرب، بختیاری، بویراحمدی و لرهای پشت کوه و پیش‌کوه یاد می‌کند، این سیاست سرکوب را مورد رضایت فراوان "اعلیحضرت رضاشاه کبیر" (صفائی، ۱۳۵۴: ۴۴) دانسته است.

رضاشاه بدنه ایل را "دزد و راهزن و شرور و وحشی" و رؤسای آنان را "چپاولگر و یغماگر" و فنودلهای سرسپرده و بازیچه دست قدرتهای بزرگ می‌دانست. در نتیجه همین تلقی‌ها، رضا شاه خطاب به روسای لرها در آستانه اتمام "راه لرستان" تهدید کرده بود که:

«از همین امروز تمام شماها را عفو می‌کنم، اما بدانید اگر یکی از شماها خیال دزدی و راهزنی نماید، نه فقط او را معدوم خواهم کرد، بلکه امر خواهم داد تمام الوار را مجازات نمایند. باید بدون اینکه قشون در این صفحه باشد، خودتان مراقب باشید» (مسعودی، ۱۳۲۹: ۴۲).

با این حال، برخی از مجریان سیاست عشایری در دوره رضا شاه ادعا می‌کنند که وی تلقی خود درباره ایلات و عشایر لر را به دیگر ایلات و عشایر عمومیت نمی‌داد؛ برای مثال حسن مقدم مراغه، اظهار می‌دارد

متکبر، خویشتن دار" و در نهایت، با طعن به صفت "دیکتاتور ما (بهار، ۱۳۷۹: ج ۱، ۳۴، ۸۶، ۱۱۰، ۱۲۲، ۲۰۶، ۲۱۱، ۲۸۳، ۲۹۹) از رضاخان یاد می‌کند.

و گزارش نویسان انگلیسی وی را "دیکتاتور نظامی ایران" (Arfa, 1964, vol6: 718) می‌خواندند. در دوران پادشاهی، یکی از وزرا یش او را مردی "با اراده و جرات و باتهور" (سردار اسعد، ۱۳۷۲: ۱۹۶) و یکی دیگر از مسؤولان بلند پایه کشوری از او با صفاتی، چون "با فراست، بلند نظر، متنفر از بیگانگان و حریص" (مستوفی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۳۲۳) یاد می‌نماید. از سوی برخی از جراید، خصیصه "آبادگری" (حبل‌المتین، ۱۳۰۹: ۲۸).
و "حاضر و ناظر" بودن رضا شاه در همه امور، بارها وصف و تمجید می‌شد.

صفات ویژه رضاشاه از دید سفرای خارجی نیز پنهان نمانده بود؛ چنانکه، بلوشر، سفیر وقت آلمان در ایران اظهار داشته بود: "از اینکه هنوز در کشورش قافله شتر، کاروانسرا و بازارهای قدیمی وجود دارد غرق شرمساری می‌شد و دستور داده بود که از این چیزها عکس برداری نکنند" (بلوشر، ۱۳۶۳: ۲۰۴) و به اعتبار این برداشت، بلوشر بر خصیصه نو‌خواهی افراطی رضا شاه تأکید نموده است.

رضاشاه در آخرین سال پادشاهی، از سوی سفیر انگلستان در ایران با ویژگیهایی چون "تا حدودی با کفایت... مداخله‌گر و القاگر ترس و نخوت به وزیرانش، طماع و وحشی" توصیف شده است که اگر بخشی از این اظهارات هم درست باشد، آن ویژگیها که در زیر به آن می‌پردازیم، برنوع تلقی رضا شاه از مسأله ایلات و عشایر به گاه تصمیم‌گیری اثر می‌گذاشت.

فرستاده شود، که نه تنها سمیتقو، بلکه تمام دردرسازان مغلوب شوند (ibid: 127).

رویه رضاشاه حاکی از آن بود که حضور در مناطق آشوب زده ایلی برای حل و فصل مسائل ایلات و عشایر سیاست مؤثری است و به همین جهت، در سال ۱۳۰۶ برای حل بحران، شخصا به «مریوان و اورامان رفت و فرمانده کرمانشاه را برکنار و به جای او رزم‌آرا را به عنوان فرمانده منصوب کرد» (Arfa, 1964: 168).

همچنین شایان ذکر است که پهلوی اول در سیاست عشایری از پشتیبانی مؤثر روشنفران برخوردار بود، زیرا از دید آنان در سالهای پس از جنگ جهانی اول وجود، دولت «قوی و با جرأت که بتواند پاسدار تمامیت ارضی و حافظ وحدت ملی و انتظام‌بخش» (بهار، ۱۳۷۹، ج ۲: ۳۰) باشد، با همه کاستیهایش یک «شر لازم» قلمداد می‌شد.

نکته بعد، آن که بر اساس یک تقسیم‌بندی «قدرت» به سه نوع «قدرت اجبار»، «قدرت تسلط» و «قدرت ترغیب» (الوانی، ۱۳۷۷: ۹۲) تقسیم می‌شود و بر خلاف نظر حسن ارفع در سطور پیشین و با توجه به موقعیت، رضاشاه عمدتاً با اجبار و به گونه سلطه‌گرایانه و بندرت به صورت تشویق‌آمیزی برای ایلات و عشایر سیاستگذاری نمود.

ج) برخی از فرمانهای رضاشاه درباره ایلات و عشایر

مهار کردن ایلات و عشایر نافرمان و اعمال کنترل بر آنان که با پراکندگی قدرت خود برای دولت مرکزی درد سر ساز شده بودند، یکی از «ارکان نظم نوین» (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۱۴۰) در دولت پهلوی را تشکیل می‌داد و دو رکن دیگر این نظم نوین تمرکز دولتی و

رضا شاه قائل به تفکیک سیاستگذاری در باره ایلات عشایر مرزی با غیر مرزی بود و اعتقاد داشت که حل پایدار مشکل ایلات مرزی با «تثبیت روابط ایران و همسایگان» امکان‌پذیر می‌شود، و رضاشاه به او در باره ایلات و عشایر مرزی ترک تأکید کرده بود که: «باید بین ما و ترکیه وضعیت و مسائل، برادرانه حل و فصل شود تا هیچ‌گونه ادعایی باقی نماند» (صفائی، ۱۳۵۴: ۳۶۷).

حسن ارفع نیز ادعای غریب تری را در باره رضاشاه طرح نموده، مبنی بر این که شیوه مرسوم رضا شاه آن بود که به زور متوسل نشود! و مدعی می‌شود: «وقتی رضاشاه تصمیم گرفت یک پار برای همیشه به بی‌نظمی دوره‌ای در کردستان خاتمه دهد، ابتدا بر اساس شیوه مرسومش، تلاش کرد تا پیش از آنکه به زور متوسل شود، با تشویق و ترغیب، با صلح و صفا همه چیز را آرام کند» (Arfa, 1964: 202).

این در حالی است که عموم منابع بر آنند که از نظر رضاشاه، وقتی گاه آن می‌رسید که با یکی از گروههای متعدد ایلی و عشیره‌ای در ایران مقابله شود، کلیه نهادها و نیروها را برای آن امر متمرکز می‌ساخت تا با حداکثرسازی فشار راه گریز و مقاومت از آنان سلب شود. این تجربه را رضاخان، در دوره سردار سپهری به دست آورد؛ وقتی که به گفته خاطره نویسان انگلیسی حاضر در ایران، با اعزام ۱۲۵۰ پیاده نظام مسلح، ۴۵۰ سواره نظام و مقادیر زیادی اسلحه «شاهسونها را با نمایش قدرت دستپاچه کرد و آنها با دادن تضمین‌هایی به دولت وفاداریشان را اثبات کردند» (Peter, 1991, vol6: 119) و متعاقب آن به فرماندهان لشکر شمال غرب دستور خلع سلاح شاهسون‌ها را داد.

در مورد سمیتقو نیز همین الگو تکرار و باز آفرینی شد، و رضاخان فرمان داد: «آنقدر نیرو به آذربایجان

- صدور فرمان تشریک مساعی استانداران، فرمانداران، بخشداران برای اسکان ایلات به ستادارتش (س.ا.م.ا.)، س.ش.۳۵۸۴/۲۹۱۰۰۳۵۸۴.ش.ف.۱۵/۰۰۰۵۰۰۱۵) (از این پس سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره و شماره فیش...به این صورت خواهد آمد)؛

- صدور فرمان برای اسکان ایلات فارس در جلسه هیأت وزیران.

فرمان صدور استانداری امیر شوکت الملوک علم (اعظام قدسی، ۱۳۷۹: ۷۹۱) که سبب شد سیاست عشایری در فارس بر اثر صدور و اجرای این فرمان در مسیر جدیدی هدایت شود.

شایان ذکر است که علاوه بر آن، گاهی مجریان سیاست عشایری برای بهبود برنامه‌ریزی‌ها پیشنهادهایی را به "دفتر مخصوص شاهنشاهی" ارسال می‌کردند، تا از آن طریق رضاشاه را در جریان قرار دهند و "اگر رأی ملوکانه قرار گیرد، به آنها عمل شود" پس از آن، در صورت لزوم، اعلامیه‌هایی از طرف رضاشاه و از طریق رئیس دفتر یاد شده، اعلامیه‌هایی در خصوص امر مربوطه انتشار می‌یافت.

۲- مجلس شورای ملی

پس از نهضت مشروطه ایران و در سیاست اعلامی، هشت اصل از (اصولهای ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۵ و ۲۹) اصول قانون اساسی وسه اصل ۱۵، ۴۳ و ۴۵ از متمم قانون اساسی بر اینکه مهمترین رکن تصمیم‌گیری در همه امور کشور بر عهده مجلس شورای ملی است، تأکید داشت، اما در واقع و در سیاست اعمالی، مجلس به اختیارات حداقلی خود در سیاست‌گذاری در دوره رضاشاه اکتفا کرده بود.

غیرمذهبی ساختن جامعه بود. بنابراین، به منظور برقراری نظم نوین، سیاست‌گذاری برای سامان حیات عشایری ضرورت می‌یافت.

از آن جایی که، رضاشاه به مسأله سازبودن ایلات و عشایر در پروژه برقراری نظم نوین باور داشت، در مراحل مختلف با صدور اوامری، منشأ تأثیرگذاری مستقیمی بر سیاست عشایری می‌شد که در زیر فهرستوار به برخی از آن فرمانها اشاره می‌شود:

- صدور فرمان برای تحقیق در امور لرستان در دی ماه ۱۳۰۶ش؛

- امر به تشکیل کمیسیون مخصوص لرستان در سال ۱۳۰۷ش (اردلان، ۱۳۷۲: ۲۵۵)؛

- امر به امیراحمدی برای برقراری انتظامات در لرستان؛
- فرستادن شبیانی با اختیار تام در ماجرای شورش ایلات ممسنی در سال ۱۳۰۸ (تقی زاده، ۱۳۶۸: ۲۱۵)؛

- فرمان به سرداران معمر بختیاری برای میانجیگری در واقعه فارس در سال ۱۳۰۸ (صفائی، ۱۳۵۴: ۲۶۵)؛

- پیشنهاد عفو عمومی به شورشیان جنوب و پذیرش شرایط آنها در سال ۱۳۰۸؛

- فرمان مطیع ساختن بویراحمدی‌ها به وزیر جنگ (تقی زاده، ۱۳۶۸: ۲۱۵)؛

- اعزام نماینده مخصوص به اسم سعیدی برای آگاهی از وضعیت آموزش لرها (مسعودی، ۱۳۲۹: ۴۵)؛

- صدور فرمان تأسیس مدرسه برای بختیاری‌ها (اطلاعات، ۲۵ دی ۱۳۰۸، ۳)؛

- صدور فرمان لشکرکشی به بلوچستان (واعظ، ۱۳۸۲: ۲۴۳)؛

- دستور اصلاح قانون انتخابات و حذف نماینده ایل در مجلس در تیرماه ۱۳۱۱ (حکمت، ۱۳۵۳: ۱۲۱)؛

- فرمان مراقبت از طوایف اسکان یافته بختیاری؛

بنا به اصل هجدهم، هرگونه "ایجاد قانون" یا "تغییر و تکمیل" یا "فسخ قوانین موجود" از مسؤولیت‌های مجلس شورای ملی است. طبق اصل بیستم قانون اساسی "بودجه هر کدام از وزارتخانه‌ها می‌بایست در نیمه آخر هر سال برای تصویب نهایی به مجلس شورای ملی ارسال گردد" (اکبری، ۱۳۸۱: ۲۲) و بر اساس اصل بیست و نهم قانون اساسی، مجلس حق عزل وزرا را در صورت ناتوانی یا خیانت دارد.

از مطالعه مذاکرات نمایندگان مجلس، اسناد، خاطرات و نشریات چنین برمی‌آید که موضوع ایلات و عشایر در کمیسیونهای مختلف مجلس به مناسبت موضوع بررسی می‌شد و مشخصاً "کمیسیون اسکان" کار هدایت امور مربوط به اسکان ایلات و عشایر را برعهده داشت، ولی به صراحت از "کمیسیون سیاست عشایری" در منابع ذکری نشده است، و در نهایت، مجلس شورا از طریق تصویب لایحه و طرحهای قانونی در امر خط مشی گذاری کلان برای ایلات و عشایر سهم خود را ایفا می‌کرد؛ چنانکه چند بار وزرا لوایحی را بخصوص درباره افزایش اعتبار عمران برای سیاست عشایری به مجلس پیشنهاد کردند که به تصویب نمایندگان رسید.

همچنین، در باره سایر اختیارات قانونی نمایندگان، در ماده سی و چهارم نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی آمده است: «هر نماینده می‌تواند طرحی را در امری از امور کشور مستقیماً به رئیس مجلس شورا ارائه دهد ولی گزارش طرح وقتی در صحن علنی مجلس طرح

خواهد شد که اقلاً ۱۵ نفر از نمایندگان مذاکره درباره آن را تصویب کرده باشند» (همان: ۲۸).

نمایندگان مجالس دوره پهلوی اول، از این حق؛ یعنی ارائه طرح قانونی به رئیس مجلس در باره ایلات و عشایر استفاده نکردند و عمدتاً به تصویب طرحهایی پرداختند که اطمینان داشتند رضا شاه و وزرای او با آنها موافقت اصولی دارند. برای مثال، در تیرماه ۱۳۱۳ش بنا به خواست رضاشاه مبنی بر اصلاح قانون انتخابات و محروم کردن ایلات و عشایر از داشتن نماینده در مجلس، فروغی، نخست‌وزیر؛ محمود جم، وزیر کشور و علی اکبر داور، وزیر دارائی طرحی به مجلس دادند. در این طرح، به جای اینکه وکلا از سوی ایلی، مثلاً بختیاری نمایندگی داشته باشند، می‌بایست از مناطق؛ مثلاً از چهار محال بختیاری برگزیده می‌شدند، و نمایندگان آن طرح را بسرعت تصویب کردند. به نظر می‌رسد هدف این طرح، تخفیف قدرت فردی وکلای ایلی و استحاله قدرت ایلی در قدرت ملی بوده است.

در هر حال، از دیدگاه این پژوهش، مهمترین قوانینی که مجالس دوره پهلوی اول از ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ درباره ایلات و عشایر تصویب نمودند، به شرح زیر قابل تقسیم است:

دسته اول، مصوبات خاص، که مخصوص ایلات و عشایر به تصویب مجالس این دوره رسیده است؛ دسته دوم، مصوبات عام، که یکی از مواد بندهای آنها به ایلات و عشایر آن دوره مربوط بوده است.

الف) مهمترین مصوبات خاص مجالس دوره پهلوی اول برای ایلات و عشایر

۱. اجازه پرداخت یکصد هزار تومان اعتبار اضافی از محل ذخیره مملکتی برای عمران لرستان و سکنی دادن الوار ۶مهر ۱۳۰۹، مجلس هفتم
۲. قانون تأدیه مخارج دستگیری دوست محمدخان بلوچ ۷آبان ۱۳۰۹، مجلس هفتم
۳. قانون اجازه پرداخت پنجاه هزار تومان اعتبار اضافی برای مخارج عمران لرستان ۱۲ بهمن ۱۳۱۰، مجلس هشتم
۴. قانون راجع به واگذاری زمین که برای تخته قاپو کردن الوار در لرستان تهیه شده به مالکیت الوار ۳۰خرداد ۱۳۰۹، مجلس هشتم.
۵. قانون اجازه فروش املاک خالصه واقع در اطراف پل ذهاب برای اسکان دادن طوایف آن حدود ۱۴ تیر ۱۳۱۱، مجلس هشتم
۶. تصمصق قانونی راجع به آقای اسماعیل خان قشقایی و ناصرخان قشقایی ۸ شهریور ۱۳۱۱، مجلس هشتم
۷. قانون اعتبار اضافی برای مخارج عمران و تخته قاپو کردن عشایر ۱۲ مهر ۱۳۱۱، مجلس هشتم
۸. قانون اجازه واگذاری واقع در لرستان به افراد الوار برای دهنشین شدن ۲۸ مهر ۱۳۱۱، مجلس هشتم
۹. قانون اجازه واگذاری اراضی دولتی واقع در آذربایجان به خوانین و افراد شاهسون ۷ دی ۱۳۱۱، مجلس هشتم
۱۰. قانون یکصد هزار ریال اعتبار اضافی برای مخارج بذر جهت الوار لرستان ۲۴ دی ۱۳۱۱، مجلس هشتم
۱۱. قانون سیصد هزار ریال اعتبار اضافی برای مخارج عمران و تخته قاپو کردن عشایر ۱۱ تیر ۱۳۱۲، مجلس نهم
۱۲. قانون راجع به امور قضایی و اداری لرستان ۱۷ تیر ۱۳۱۲، مجلس نهم
۱۳. قانون تعیین اعتبار برای خریداری سهم بختیاری در شرکت نفت ایران و انگلیس ۲۲ اسفند ۱۳۱۵، مجلس دهم

هشتم یکی از پرکارترین مجالس دوره پهلوی برای همراهی با دولت در ساماندهی به اوضاع ایلات و عشایر بوده است. یکی از دلایل آن همگامی، می‌توانست همزمانی دوره مجلس هشتم، با خاتمه قهرآمیز بزرگترین مواجهه جویی عشائری با دولت پهلوی اول باشد که لزوم چاره‌اندیشی از سوی این نهاد سیاستگذار را می‌طلبید.

ج) شش مصوبه از سیزده مصوبات خاص مجالس دوره

از فهرست مصوبات ذکر شده استنباط‌های زیر به ذهن متبادر می‌شود:

الف) مجلس ششم، یازدهم و دوازدهم هیچ مصوبه‌ای که خاص ایلات و عشایر باشد، به تصویب نرسانده‌اند، اما در مجلس ششم (چنانچه در سطور بعد خواهد آمد) مصوبه عامی در این باره تصویب شد.

ب) از سیزده مصوبه قانونی برای ایلات و عشایر، هشت مصوبه خاص و یکی از مصوبات عام، در مجلس هشتم به تصویب رسیده است. بنابراین، مجلس

رضاشاهی مربوط به اسکان و عمران ایلات و عشایر لر است که نشان دهنده اهمیت سیاست اسکان و اهمیت تحقق سیاست عشایری در قبال لرها بوده است، زیرا لرها با پروژه عشایری دولت پهلوی اعم از آرام سازی، خلع سلاح، اسکان و سلب قدرت سیاسی و اقتصادی از سرکردگان خود به شدت به مقابله پرداخته بودند.

همچنین، یکی از مصوبات خاص در باره دوست محمد خان، سردار بلوچ، دو مورد آن مربوط به ایلات کرد، یکی درباره رؤسای ایل قشقایی و خوانین شاهسون، شش مصوبه خاص درباره لرهای لرستان و یکی نیز درباره تعیین تکلیف سود بختیاری از شرکت نفت، بوده است و در هیچ یک از مصوبات خاص، مستقیماً به ایلات و عشایر ترکمن، عرب و لرهای کهگیلویه و بویر احمد اشاره نشده است.

همچنین به نظر می آید، تقدم و تأخر توجه مجلس به هر ایل و عشیره‌ای، تابع مقتضیات مملکتی و جایگاه و نوع موضع گیری ایلات و عشایر در برابر سیاست عشایری بوده است. برای نمونه، تخصیص اعتبار برای خرید سهم نفت بختیاری ها (واعظ، ۱۳۲۸: ۲۶۷) در سال ۱۳۱۵ از سوی مجلس تصادفی نبوده است، زیرا دولت پهلوی پس از ملاحظات فوق الذکر و پس از آن که از همراهی و سکوت سرکردگان این ایل، مثل سردار اسعد برای در هم شکستن مقاومت سایر ایلات و عشایر بهره برد، هنگامی که این ایل تنها ماند، به سرکوب آنها پرداخت تا مصداق آن شوند که اجاق‌هایی که جدا جدا می سوزند، جدا جدا هم خاموش می شوند.

ب) مهمترین مصوبات عام مجالس دوره پهلوی اول درباره ایلات و عشایر

۱. قانون سجل احوال، مصوب ۱۴ خرداد ۱۳۰۴ در مجلس پنجم که در این مصوبه عام، در موضوع صدور شناسنامه برای ایلات و عشایر در تبصره اول

ماده بیست و هشتم آن چنین چاره اندیشی شده بود: مسؤولیت سجل احوال ایلات با رئیس ایل و مباشرت آن با خوانین و کدخدایان ایل خواهد بود (۲/ دوره پنجم، ج ۲: ۲۰۷).

۲. قانون خدمت نظام اجباری، مصوب ۱۶ خرداد ۱۳۰۴ در مجلس پنجم که به موجب آن: «کلیه اتباع ذکور ایران، اعم از سکنه شهرها و قصبات و قراء و مشمولین در خارج از ایران از اول سن بیست و یک سالگی مکلف به خدمت سربازی می باشند، مگر در مواردی که بر طبق این قانون مستثنی شده باشند» (۲/ دوره پنجم: ۲۱۷)

در این مصوبه عمومی، برای ایلات و عشایر استثنایی قائل نشده و آنان موظف به خدمت نظام وظیفه که در آن زمان "نظام اجباری" نامیده می شد، بودند.

۳. اصلاح قانون ممیزی، مصوب ۱۳۰۷ در مجلس ششم که با توجه به اسکان اجباری برخی از ایلات و عشایر، چند ماده از آن به نحوه مالیات گیری از ایلات و عشایر اسکان یافته و غیر اسکان یافته‌ها اختصاص یافته بود (اطلاعات، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷: ۱).

۴. قانون محاکمات نظامی، مصوب ۳۰ تیر ۱۳۰۷ در مجلس ششم، که در ماده ۲۱۴ آن آمده بود: "هر کسی که نظامیان را به الحاق به دشمنان و یاغیان یا قشون متمرد اغوا و تشویق کند... محرک به خیانت شناخته شده و محکوم به اعدام است" (۲/ دوره ششم، ۲۲۰). با اینکه در این قانون صراحتاً به ایلات و عشایر اشاره نشده بود، ولی با در نظر گرفتن دو موضوع می توان آن را در رده قوانین عام در این باره دانست:

موضوع نخست، با توجه به پایان نیافتن سیاست خلع سلاح ایلات و عشایر تا آن تاریخ، عبارت "یاغیان مسلح" در این ماده قانونی، به احتمال بسیار قوی بر

ایلات و عشایر اطلاق می‌یابد.

دیگر آنکه با عنایت به تقارن سال تصویب قانون با آغاز شورش عشایری فارس، عبارت "دشمن" در ماده ۲۱۴ این قانون می‌توانست در اشاره به ایلات و عشایر فرض شده باشد؛ چه در فرهنگ سیاسی ایران غالباً میان مخالف و دشمن تفکیک چندانی صورت نمی‌گیرد و مشخصاً در دوره حکومت خودکامه پهلوی اول، برای وانمودسازی خطیر بودن خط مشی‌های دولت و برای ارباب مخالفان به عمد مخالفان را دشمن می‌نامیدند.

۵. قانون متحدالشکل نمودن البسه اتباع ایران، مصوب ۶ دی ۱۳۰۷، که در ماده چهارم این قانون اشاره شده بود: «این قانون در شهرها و قیصبات از اول فروردین ۱۳۰۸ و خارج از شهرها در حدود امکان عملی شدن آن به شرطی که از اول فروردین ۱۳۰۹ تجاوز نکند به موقع اجرا گذارده خواهد شد» (۲/ دوره ششم، ۲۲۲). به این ترتیب، و با اینکه در این قانون به الزام ایلات و عشایر به اجرای سیاست متحد الشکل شدن لباس مستقیماً اشاره‌ای نشده بود، اما از استثنایی که برای مردمی که در خارج از شهرها به سر می‌بردند، قائل شده بود، می‌توان چنین استنباط کرد که منظور از آن مردم، ایلات و عشایر بوده است.

۶. قانون اجازه ترفیع آقای میرزا عباسخان آریا، مصوب ۲۴ مرداد ۱۳۰۸ در مجلس هفتم. به موجب ماده واحده‌ای، مجلس شورای ملی به دولت اجازه می‌داد «به طور استثناء آقای میرزا عباسخان آریا را بدون طی مراتب مقرر در قانون استخدام کشوری از رتبه هفت به رتبه هشت ترفیع بدهند» (۲/ دوره هفتم، ۲۲۰).

فرد اخیرکسی بود که در مهار شورش گسترده عشایری جنوب، دولت را از مخمصه شورش همزمان بختیاری، قشقایی و بویر احمدی رهانید. شورش عشایری

سال ۱۳۰۸ دولت رضا شاه را در آستانه مخاطره‌ای عظیم (یکرنکیان، ۱۳۸۴: ۳۸۳) قرار داده بود و این نحوه تجلیل از سرتیپ آریا، به خصوص پس از ناکامی اشخاصی، چون شیبانی درمقابله باشورشیان، نشان از عمق خشنودی حکومت در ناکام گذاشتن آن شورش داشت.

۷. تصویب قانون در کمیسیون عدلیه درباره تصرف اموال، مصوب سال ۱۳۰۹ مجلس هشتم. در این قانون به اموال اشرار مسلح اشاره می‌شود. که باز هم با توجه به تاریخ مصوبه و عدم موفقیت کامل دولت در تحقق سیاست خلع سلاح ایلات و عشایر و با توجه به خساراتی که ایلات و عشایر مسلح جنوب طی سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۰۹ به دولت وارد آورده بودند، چنین استنباط می‌شود که این قانون در باره ایلات و عشایری بوده که دولت با اقدام به توقیف اموال قصد مجازات آنها را داشته است (اطلاعات، ۱۳ آبان ۱۳۰۹: ۱).

۸. قانون تجدید نظر شده انتخابات، مصوب ۱۰ مهر ۱۳۱۳ در مجلس نهم. ماده چهل و پنجم این قانون چگونگی مشارکت ایلات در انتخابات را مطابق خواست دولت به این نحو اصلاح نموده بود که «کسانی که سابقاً به حالت عشایر زندگی می‌کردند از این به بعد مثل سایر افراد ملت در جزء سکنه محلی که آنجا اقامت دارند در انتخاب نماینده خود شرکت خواهند نمود» (۲/ دوره پنجم، ۲۳۴).

در تکمیل پروژه ایل زدایی مورد نظر دولت پهلوی، ضمیمه‌ای درباره اصل ۴۵ از سوی نمایندگان، اضافه شد که در آن حوزه‌های انتخابی در مناطق ایلی و عشیره‌ای، با ذکر تعداد نمایندگان و مرکز انتخابی معلوم شده بود و بر اساس آن، وکیل نه به عنوان نماینده ایلی خاص، که به عنوان نماینده ای از یک

حوزه انتخابی به مجلس راه می‌یافت. این، در واقع همان طرحی بود که سه وزیر پیش گفته در صفحات قبل، درباره بازنگری قانون انتخابات و بازداشتن ایلات و عشایر از داشتن نماینده ایلی در مجلس، به مجلس ارائه داده بودند.

ج) تأملی بر جایگاه مجلس در سیاستگذاری برای ایلات و عشایر

ذکر قوانین مصوب مجلس - اعم از خاص و عام که در سطور فوق به آن اشاره شد - نشان دهنده سیاست گفتاری نهاد سیاستگذار بود و با سیاست کرداری در عمل الزاما انطباق نداشت.

همچنین مطالعه مذاکرات نمایندگان مجلس و نوع تعامل آنان با وزارتخانه‌های دولتی مربوطه، بنیاد فکری سیاستگذاران و نحوه نگرش آنها به مسأله ایلات و عشایر را روشن می‌سازد، چنانکه، وقتی در تیرماه ۱۳۱۲ وزارت مالیه، به قید فوریت از مجلس خواستار تصویب سیصد هزار ریال اعتبار برای مخارج عمران و تخته قاپو کردن عشایر از محل ذخیره مملکتی شد، یکی از نمایندگان مجلس در این باره اظهاراتی به شرح زیر نمود که گوشه‌ای از روند تصمیم‌گیری برای ایلات و عشایر رادر آن دوره آشکار می‌سازد:

روحنی یکی از نمایندگان مجلس نهم، در آغاز سخنان خود، تخته قاپو کردن ایلات را یکی از "افکار مقدسه" (۲/دوره نهم، ۴۰۰) و "آرزوهایی" محقق شده دانست که در عمل به پیشرفتهایی هم رسیده است و در ادامه سخنانش پیشنهاد داد، برای ایلات بزرگ، مثل قشقایی و شاهسون و بختیاری، شهرهای جدید الاحداثی در همان مکان خودشان بسازند و آنها را در آنجا متمرکز سازند، زیرا این روش در توسعه تجارت و آبادی مملکت مؤثر خواهد بود. وی همچنین پیشنهاد نمود که ایلات کوچک را نیز در دهات مستقر

سازند تا به زراعت پردازند.

این نماینده اعتقاد داشت به هنگام تصمیم‌گیری باید موقعیت ایلات بزرگ از ایلات کوچک تفکیک شود و به واقعیت تفاوت‌های اقتصادی و جغرافیایی توجه گردد و نباید سیاست تعمیم‌گرایانه‌ای در باره همه آنها در پیش گرفته شود.

وزیر مالیه پس از استماع آرا و پیشنهادهای این نماینده، ضمن تأیید سخنان روحی تأکید کرد که «اقدامات خیلی بزرگ در دو سه سال چندین میلیون پول می‌خواهد و اصلاً در عمل هم این کار سرعت خیلی زیاد درش مقتضی نیست و باید به تدریج کرد، باید هر سال در یکجا شروع کرد» (۲/ دوره نهم، ۴۰۱). به این ترتیب، اصل پیشنهاد سنجیده نماینده مجلس را با طرح واقعیتی دیگر (یعنی لزوم دقت و تدریج در خط مشی گذاری برای عشایر) که منافاتی با پیشنهاد روحی هم نداشت، به مجرای دیگری انداخت و سایر نمایندگان نیز به پیشنهاد روحی توجه نکردند.

بخش دیگری از نگرش و عملکرد نهاد مجلس و نمایندگان به هنگام سیاستگذاری را می‌توان از میزان اعتباری که برای عملی ساختن سیاست عشایری تصویب می‌کردند، دریافت. برای نمونه، در صورت ضمیمه قانون بودجه سال ۱۳۱۲ در بخش مخارج غیر ثابت عمومی، در شماره ۱ در قسمت شرح می‌خوانیم:

۱. اعتبار عمران و تخته قاپو کردن عشایر و تبدیل املاک (۲/دوره نهم، ۴۰۷۴۳):

الف - اعتبار عمران و تخته قاپو کردن عشایر

۸۲۰۰۰۰؛

ب - اعتبار مصارف مربوطه به تبدیل املاک و

علاقه اشخاص با املاک دولتی ۱۸۰۰۰۰.

در همین صورت، ضمیمه قانون بودجه برای "تشکیلات امنیه" (۲/دوره نهم از قسمت صورت ضمیمه

سال ۱۳۱۳ در قسمت اعتبارات غیر مستمر عمومی چنین بر می‌آید که:

اگرچه اعتبار عمران نسبت به سال قبل (۱۳۱۲) افزایش یافته بود، اما اعتبار هزینه‌های تبدیل املاک دقیقاً مانند سال قبل در نظر گرفته شده بود. و جایگاه سیاست عشایری از دیدگاه نمایندگان مجلس، در مقایسه با اعتبارات بیشتری که برای دیگر موارد غیرمستمر عمومی تخصیص داده بودند، روشن می‌شود. برای مثال، بر اساس قانون بودجه سال ۱۳۱۲ ش هزینه اعتبار سیاست عشایری، تنها ۵۰۰۰۰ ریال از سیاست دفع ملخ بیشتر بوده است!

در همین سال، برای سال (۱۳۱۴) (۲/ دوره نهم، ۲۹ از قسمت ضمیمه مذاکرات) میزان اعتبار برای سیاست عشایری در قسمت اعتبارات غیر مستمر عمومی را چنین پیش‌بینی کردند:

شرح	پیش‌بینی برای بودجه دوره عمل ۱۳۱۴	مبلغ بودجه مصوب ۱۳۱۳ به ریال	تفاوت پیش‌بینی شده نسبت به بودجه سال ۱۳۱۳
اعتبار عمران و اسکان عشایر و تبدیل املاک: الف- اعتبار عمران و اسکان عشایر ۱۸۲۰۰۰۰ ب- اعتبار مصارف مربوط به تبدیل املاک و علاقه اشخاص با املاک دولتی ۱۸۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰

دارد، به جایگاه نهاد مجلس در جریان تصمیم‌گیری در دوره پهلوی که هنوز به بلوغ و تجربه کافی نرسیده بود، نگاه شود، نمی‌توان روح حاکم بر سیاستگذاری و وضعیت نمایندگان را درک کرد. ذکر مثالی از وضعیت غیر معمول انتخابات در این دوره، شاید بتواند

بودجه سال ۱۳۱۲، (۴۰۰)، (وجود امنیه‌ها در بیرون شهرها برای تأمین امنیت ضرورت و اهمیت بیشتری یافته بود)، این اعتبارات منظور شده بود:

الف- اعتبار بودجه اختصاصی ۲۲۶۷۸۴۰۰؛
ب- اعتبار بودجه ۱۹۵۰ نفر، اجرائیات مالیه ۳۵۲۲۶۰۰.

به این ترتیب، وکلای دوره نهم برای آرام‌سازی و خلع سلاح ایلات و عشایر که در دوره‌های قبل مستلزم اختصاص اعتبار بود، اعتباری را لحاظ نکردند و عمده اعتبار را به سیاست معطل مانده اسکان تخصیص دادند، و برای سایر بخشهای سیاست عشایری، مثل مدرسه‌سازی و درکل برای "فرهنگ‌سازی" و "فرهنگ‌زدایی" (۱۳۵/۳۰) نیز بودجه‌ای در نظر نگرفتند.

همچنین، از مطالعه صورت ضمیمه قانون بودجه

طبق پیش‌بینی نمایندگان مجلس باید ۵۰۰۰۰۰ ریال دیگر، برای سال آینده به اعتبار در نظر گرفته شده برای این برنامه در سال ۱۳۱۴ افزود.

شایان یادآوری است اگر با ذهنیت‌های امروز که عملکرد پارلمان‌های مجرب و مستقل دنیا را در خاطر

وزیران از طریق گذراندن "تصویب نامه"، "اساسنامه" و "آیین نامه" و تقاضای اختیارات تام اقدام به تصمیم‌گیری و سیاستگذاری می‌نمود.

شایان ذکر است که هیأت وزیران برای اجرای مصوبات مجلس درباره ایلات و عشایر، با چندین تصویب نامه، چگونگی اجرای سیاست عشایری را برای ارگانهای ذی ربط روشن ساختند، اما هیچ وزیری در این دوره تقاضای اختیارات تام برای بهبود وضعیت ایلات و عشایر ننمود و تلاشهای نگارنده برای یافتن اساسنامه و آیین نامه‌های از سوی هیأت وزرا که مقررات خاصی را برای اجرای سیاست عشایری تدوین نموده باشد، تا لحظه نگارش این مطالب با توفیق همراه نبوده است. از شواهد امر چنین بر می‌آید که هیأت وزرا در این قسمت به "قدرت حداقلی" خود در ازای "قدرت حداکثری" رضاشاه در روند سیاستگذاری برای ایلات و عشایر بسنده نموده‌اند.

با وجود این، هیأت دولت به اتکای همان قدرت حداقلی، هم در سیاستگذاری و هم در اجرا در تعیین خطوط کلی سیاست عشایری مشارکت نمود و وزارتخانه‌های مختلف، مانند جنگ، داخله، مالیه، دربار، معارف و عدلیه، هر کدام درگیر اجرای قسمتی از سیاست عشایری شدند، که برای رعایت اختصار، تنها به ارائه فهرستی از تصویب نامه‌ها و بخشنامه‌های دولتی که نگارنده از خلال بررسی اسناد متعدد سازمان اسناد ملی ایران استخراج نموده، اکتفا می‌شود.

گوشه‌ای از واقعیت را روشن سازد: سیف پور فاطمی در خاطرات خود ادعا نموده است که در انتخابات اصفهان در دوره رضا شاه، به جای او معلم ولیعهد؛ یعنی اوحدی سدهی (سیف پور فاطمی، ۱۳۷۸: ۹۰۶)، بنا به درخواست ولیعهد به مجلس راه یافته بود. بدینسان، از امثال چنان نمایندگان جز مهر تأیید زدن بر خواست حکومت، انتظار دیگری نمی‌رفت.

دردآور آن که سوءشهرت مجالس دوره رضا شاهی از دید روزنامه‌تایمز هم پنهان نمانده و آن مجالس را به دلیل آن که "در تدوین قوانین هیچ‌گونه دخالت مؤثر" (شیخ الاسلامی، بی‌تا، ۲۹۵) نداشته‌اند، ناکارآمد و نمایندگان آن را فاقد جسارت لازم در رد لوایح دولتی توصیف کرده است.

۳. هیأت وزیران

اکنون، گاه آن رسیده است تا به کارکرد و جایگاه هیأت وزرا به عنوان یکی از ارکان سه‌گانه سیاستگذاری، در فرآیند تصمیم‌گیری برای ایلات و عشایر پرداخته شود.

اگرچه قانون اساسی شأن قانونگذاری برای هیأت وزیران قائل نشده است، اما این به معنی آن نیست که هیأت وزیران در تصمیمات اساسی کشور مشارکت نداشته است. تقدیم "لویح" به وسیله وزیر مسؤول یا صدر اعظم به مجلس شورای ملی، براساس اصل ۶۱ متمم قانون اساسی، جایگاه هیأت وزیران را در جریان تصمیم‌گیری روشن می‌سازد. گذشته از آن، هیأت

فهرست برخی از تصویب‌نامه‌های دولتی برای ایلات و عشایر

شماره	موضوع	سال
۱	تصویب نامه هیأت وزرا: درباره تسهیل کار مبادلات سکنه قرای سرحدی و عشایر مجاور سرحدات (س.ا.م.ا.، س.ش. ۲۹۰۰۰۲۴۶۲، ش.ف. ۰۰۰۴۰۲۲۴)	۱۳۱۰
۲	تصویب نامه عدم لزوم جواز ورود نهالهای وارده جهت غرس در اراضی پشتکوه (س.ا.م.ا.، س.ش. ۲۴۰۰۰، ش.ف. ۰۰۴۴۰۰۶۱)	۱۳۱۱
۳	تصویب نامه هیأت وزرا: پرداخت مخارج لایروبی قنوات در لرستان از ذخیره اعتبار عمران (س.ا.م.ا.، س.ش. ۲۴۰۰۱۵۹۵۱، ش.ف. ۰۲۹۱۰۱۷۹)	۱۳۱۲
۴	تصویب نامه هیأت وزرا درباره وضعیت املاک ضبط شده از اشرار بروجرد و لرستان (س.ا.م.ا.، س.ش. ۲۴۰۰۱۷۹۶۲، ش.ف. ۰۳۲۷۰۰۱۲)	۱۳۱۲
۵	تصویب نامه هیأت وزرا: پرداخت وجهی جهت بودجه شش ماهه حکومت جدید التأسیس در چهار لنگ بختیاری، از اعتبار مخارج سری دولت (س.ا.م.ا.، س.ش. ۲۴۰۰۱۵۹۸۹، شماره فیش ندارد)	۱۳۱۳
۶	تصویب نامه هیأت وزرا: پرداخت مخارج اسکان قسمتی از طوایف بلوچ در اطراف خاش (س.ا.م.ا.، س.ش. ۲۴۰۰۱۵۹۸۵، ش.ف. ۰۲۱۲۰۲۹۱۰)	۱۳۱۳
۷	تصویب نامه هیأت وزرا: پرداخت مخارج اسکان افراد مهاجر به خمسه و قزوین و مخارج تعمیرقلاع دولتی واقع در املاک خالصه لرستان محل اعتبار عمران (س.ا.م.ا.، س.ش. ۲۴۰۰۱۵۹۷۶، ش.ف. ۰۲۹۱۰۲۰۳)	۱۳۱۳
۸	تصویب نامه هیأت وزرا: اعطای وام از اعتبار مخارج غیر متزقبه دولت به خوانین بیرانوند به علت معاوضه املاکشان با خالصجات مکران (س.ا.م.ا.، س.ش. ۲۴۰۰۱۵۹۶۸، ش.ف. ۰۲۹۱۰۱۹۵)	۱۳۱۳
۹	تصویب نامه هیأت وزرا: تخصیص وجه جهت مخارج حکومت چهارلنگ بختیاری توسط وزارت داخله (س.ا.م.ا.، س.ش. ۲۴۰۰۱۵۹۲۲، ش.ف. ۰۲۹۱۰۱۵۰)	۱۳۱۳
۱۰	تصویب نامه دولت: برای پرداخت مخارج اسکان افراد و مهاجران بلوچ (س.ا.م.ا.، س.ش. ۲۴۰۰۱۱۲۲۹، ش.ف. ۰۲۳۵۰۰۱۰)	۱۳۱۳
۱۱	تصویب نامه هیأت وزرا: در خصوص تأمین اعتبار جهت اسکان ایل قشقایی (س.ا.م.ا.، س.ش. ۲۴۰۰۱۲۸۸۹، ش.ف. ۰۲۶۴۰۰۴۵)	۱۳۱۳
۱۲	تصویب نامه هیأت وزرا: در تأمین اعتبار جهت اسکان ایل بختیاری و ایلات بهبهان و کرمانشاهان و کهگیلویه (س.ا.م.ا.، س.ش. ۲۴۰۰۱۲۹۰۱، ش.ف. ۰۲۶۴۰۰۵۷)	۱۳۱۳

۱۳۱۳	تصویب نامه هیأت وزرا: پرداخت مخارج و فوق العاده به میرزا محسن خان انصاری و حسن خان اشراقی در مأموریت پشتکوه از محل اعتبار کمیسیونهای سرحدی (س.ا.م.ا.، س.ش.۱۵۸۱۱، ۲۴۰۰۱۱۸، ش.ف.۰۲۹۲۰۱۱۸)	۱۳
۱۳۱۳	تصویب نامه تأمین اعتبار برای اسکان عشایر و تأمین مایحتاج مهاجرین و ایلات و تأمین مخارج مأموران اعزامی (س.ا.م.ا.، س.ش.۲۱۴۵۷، ۲۴۰۰۲۱۴۵۷، شماره فیش ندارد)	۱۴
۱۳۱۳	تصویب نامه تأمین اعتبار برای اسکان ایلات و عشایر و تأمین مایحتاج مهاجران و ایلات (س.ا.م.ا.، س.ش.۲۱۴۵۷، ۲۴۰۰۲۱۴۵۷، شماره فیش ندارد)	۱۵
۱۳۱۵	تصویب نامه هیأت وزرا درباره تخصیص مبلغی جهت کوچ مهاجران بلوچ سیستان (س.ا.م.ا.، س.ش.۲۹۳۰۰۴۵۳۵، ۲۹۳۰۰۴۵۳۵، ش.ف.۰۰۳۲۰۰۲۶)	۱۶
۱۳۱۶	تصویب نامه: هزینه تأمین اعتبار اسکان عشایر س.ا.م.ا.، س.ش.۲۴۰۰۲۲۵۲۹، ۲۴۰۰۲۲۵۲۹، ش.ف.۰۰۳۹۹۰۰۷۱)	۱۷
۱۳۱۶	تصویب نامه: بو دجه اعتباری جهت عمران و اسکان عشایر (س.ا.م.ا.، س.ش.۲۴۰۰۲۱۲۸۸، ۲۴۰۰۲۱۲۸۸، ش.ف.۰۰۳۸۴۰۰۳۴)	۱۸
۱۳۱۷	تصویب نامه هیأت وزرا: درباره پرداخت هزینه های مربوط به ایل چهارلنگ بختیاری از اعتبار اصفهان (س.ا.م.ا.، س.ش.۲۴۰۰۰۹۰۴۲، ۲۴۰۰۰۹۰۴۲، ش.ف.۰۱۸۱۰۰۱۸)	۱۹

اسکان نسبت به سایر بر نامه‌های دولت و اهمیت این سیاست در قبال لرهاست که با پافشاری بر سر تداوم حیات سنتی ایلی و عشیره‌ای و ایستادگی در مقابل دولت پهلوی بر پیچیدگی‌های سیاست عشایری می-افزودند.

از تصویب نامه‌های هیأت دولت چنین بر می آید که از نوزده مورد تصویب نامه‌های دولت، ده مورد مربوط به ایلات لر، اعم از بختیاری، لرهای لرستان و کهگیلویه و بویر احمدی است و یازده تصویب نامه دولت در باره اسکان است و هر دو نشان دهنده اهمیت سیاست

ب) فهرست بخشنامه های صادره برای ایلات و عشایر از ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰

شماره	موضوع	سال
۱	بخشنامه اداره دارایی خراسان راجع به وصول مالیات اغنام و احشام از طوایف و ایلات کاشمر (س.ا.م.ا.، س.ش.۲۴۰۰۱۴۵۱۱، ۲۴۰۰۱۴۵۱۱، ش.ف.۰۲۸۱۰۰۵۸)	۱۳۰۶
۲	بخشنامه ممنوعیت وصول مالیات احشام املاک اربابی (س.ا.م.ا.، س.ش.۲۴۰۰۰۹۹۲۲، ۲۴۰۰۰۹۹۲۲، ش.ف.۰۲۰۲۰۰۰۴)	۱۳۰۸
۳	بخشنامه وزارت کشور درباره تغییر نام حسین آباد پشتکوه به ایلام (س.ا.م.ا.، س.ش.۲۹۰۰۰۴۰۶۶، ۲۹۰۰۰۴۰۶۶، ش.ف.۰۰۰۶۰۴۸)	۱۳۱۲

۱۳۱۳	بخشنامه اداره کل تجارت در مورد گله داری و مقررات سوق احشام به ییلاق و قشلاق و پشم چینی (س.ا.م.ا.، س.ش.۱۷۷۵۰۱۲۶، ش.ف.۱۲۶۰۰۸۰۰)	۴
۱۳۱۳	بخشنامه لغو دریافت مالیات از صاحبان اغنام و احشام (س.ا.م.ا.، س.ش.۱۲۳۰۰۲۴۰۰، ش.ف.۰۵۷۰۰۲۵۵۰)	۵
۱۳۱۶	بخشنامه تشکیل کمیسیون جهت رسیدگی به دعوات ملکی ایلات و عشایر (س.ا.م.ا.، س.ش.۳۶۳۸۰۲۹۱۰، ش.ف.۰۰۲۰۰۰۱۰۰)	۶
۱۳۱۷	بخشنامه تغییر نام محل اسکان ایل کلکو به ده کلکو در شهرستان قم (س.ا.م.ا.، س.ش.۴۸۹۸۰۰۲۹۷۰، ش.ف.۰۰۳۳۰۰۹۰)	۷
۱۳۱۷	بخشنامه تغییر نام طایفه یاراحمدزائی به شهناز (س.ا.م.ا.، س.ش.۰۶۶۰۰۲۹۷۰، ش.ف.۰۰۳۳۰۰۶۶)	۸

قانونی دست یافته بود. از نظر رضاشاه، ایلات و عشایر عناصر شرور و چپاولگری بودند که در پروژه کلان نوسازی ایران، عاملی باز دارنده بودند و به همین جهت، سزاوار خشونت و سرکوب بودند، و با آنکه تصمیم‌گیری برای ایلات و عشایر طی یک "فرآیند غیر عقلایی" و بیشتر بر پایه سیاست اجبار اتخاذ شد، اما به دلیل موافقت رضا شاه با کلیت سیاست عشائری، این خط مشی‌گذاری در آن زمان امکان نقد و بازنگری پیدا نکرد.

موقعیت رضاشاه به لحاظ جایگاه منحصر به فرد در ساختار حقوقی و حقیقی قدرت، و نقش فردی وی در سیاستگذاری برای ایلات و عشایر به گونه‌ای بود که در برخی از منابع و مآخذ خط مشی‌گذاری برای ایلات و عشایر، حاصل تراوشهای فکری و تصمیمات فردی رضا شاه، قلمداد می‌شد و سیاست عشائری دولت و حتی رفتار خشونت آمیز و سرکوبگرانه مجریان تحت فرمان رضاشاه با سکوت نسبی جامعه روشنفکری آن روزگار روبه‌رو شد، زیرا در پندار آنان دولت پهلوی همان دولتی بود که می‌توانست ساختار قدرت را متمرکز و اوضاع اجتماعی را مدرن سازد.

از مطالعه اسناد فوق چنین بر می‌آید که هیأت دولت تلاش می‌کرد برخی از ابعاد غامض سیاست عشائری و بعضی از عدم تطابق‌هایی که بین ایده‌آل‌های سیاستگذاران با واقعیتهای موجود حیات ایلی و عشیره‌ای بروز نموده بود، با صدور بخشنامه‌ای رفع یا دست کم روشن سازد. برای نمونه، عشیره‌ای را با اجبار اسکان می‌دادند و بالطبع، نوع امرار معاش آن عشیره تغییر می‌کرد، اما کماکان از آنان "مالیات سرگله" دریافت می‌کردند و ایلات و عشایر را بیش از پیش عاصی می‌ساختند و بنا به چنان واقعیتهای هیأت دولت بخشنامه‌ای صادر می‌کرد تا اخذ آن نوع مالیات لغو شود، تا شاید اندکی از مقابله جوییهای ایلات و عشایر با دولت تخفیف یابد.

سخن پایانی

از یافته‌های این تحقیق چنین بر می‌آید که رضاشاه به موجب قانون اساسی از پشتوانه قانونی در سیاستگذاری برخوردار بود و در عمل با مداخله در نحوه انتخابات نمایندگان مجلس و انتخاب مستقیم وزرا، حق تصمیم‌گیری را عمدتاً در انحصار خود در آورده بود و به قدرت فرا

عواملی، چون اهمیت جغرافیای لرستان و خصلت تمرد و مرکز‌گریزی لرها، احتمالاً می‌توانست ناشی از این موضوع هم باشد که مجلس شورا از نگرش همسوی‌ای در باره ایلات و عشایر بر خوردار نبوده است.

کارکرد عموماً تشریفاتی مجلس در این دوره سبب شد که شان مجلس در بسیاری از موارد تا حد تأیید منویات و تصویب تصمیمات دولتی تنزل یابد. همچنین، در فرآیند سیاستگذاری هیأت وزرا به عنوان سومین نهاد اثرگذار، سهم خود در سیاست‌گذاری برای ایلات و عشایر را با ارائه لوایح، و گذراندن "تصویب نامه"، "اساسنامه"، و آیین نامه "ایفا نمود؛ برنامه‌هایی که از طریق نهادهای اجرایی، مانند وزارت جنگ، داخله و... جامه عمل پوشید.

موقعیت ژئوپولیتیکی لرستان، سرسختی و قانون‌گریزی، سنت‌گرایی شدید و اهمیت ساخت "راه لرستان" در پروژه مدرن‌سازی ایران آن زمان سبب شد که باز هم بیش از نیمی از تصویب نامه‌ها و بخشنامه‌های هیأت وزرا به ساماندهی امور ایلات و عشایر لری اختصاص یابد.

در نهایت، تهاجم مستقیم سه نهاد سیاستگذار به جامعه عشایری، مانع از باز آفرینی وادامه شرایط پیشین برای آنان شد و به مقابله جویب ایلات و عشایر در معرض خشونت، برضد سیاستهای نامتوازن دولت پهلوی اول منجر گردید. آرمان و اشتیاق دولت به مدرن‌سازی که آن را از راه گذشته زدایی میسر می‌دید و "ایل ترسی" و هراس از تداوم حیات ایلی و عشیره‌ای به عنوان مظاهر ناپسند زندگی سنتی و نامدرن هر سه نهاد سیاستگذار را به "ایل ستیزی" سوق داد. تعمق در عموم فرمانها، مصوبات و بخشنامه‌های صادره در آن دوره و اصرار در چاره‌جویی‌های شتابزده برای مسأله چند وجهی ایلات و عشایر ناشی از چنین واقعیتی است.

کاربرد سیاست اجبار به جای سیاست اقتناع از سوی رضاخان شاه، را می‌توان با ارائه مصادیقی از فرمانها و عملکرد وی - هم در دوران رضا خانی وهم در دوره رضا شاهی - در دستگیری سران مقتدر ایلات و عشایر، مثل شیخ خزعل، اقبال‌السلطنه و کشتن دوست محمدخان بلوچ و سردار اسعد بختیاری و تصویب لایحه سلب مصونیت از سردار عشایر صولت‌الدوله قشقایی و پسرش که بیشتر با خواست و "نفوذ" شخصی رضاشاه امکان پذیر شد، مثال زد، و به دنبال در پیش گرفتن چنین رویه‌ای از سوی دولت پهلوی اول، ایلات و عشایر ناگزیر از سلطه‌پذیری شدند.

اما، مجلس شورای ملی به عنوان دومین نهاد سیاستگذار، از حقوق قانونی خود - البته به صورت حداقلی - در تنظیم مصوبات، ارائه لوایح و طرحهای قانونی در جهت سیاستگذاری برای ایلات و عشایر بهره برد. بررسی مصوبات خاص و عامی که برای جامعه عشایری به تصویب مجالس دوره رضا شاهی رسید، نشان می‌دهد که واقعیت‌هایی، چون، دغدغه پایان بخشیدن به پراکندگی قدرت و مشخصاً خود سری‌های ایلات و عشایر با اسکان و تلاش برای تغییر هویت ایلی و یکپارچه سازی، و اهتمام و عطف توجه به تقویت مبانی ملت‌سازی در آن دوره، بر نوع تصمیم‌گیری نمایندگان آن دوره اثر داشته است.

نهایت آن که مصوبات مجلس در باره جامعه عشایری به آنجا ختم شد که در مناطق ایلی و عشیره‌ای مثل فارس، نماینده ایل نه به عنوان وکیل ایل قشقایی، که در جایگاه نماینده‌ای از یک حوزه انتخابیه به مجلس راه بیابد. و تصویب بیش از نیمی از مصوبات مجلس برای سیاست اسکان، نشان از نوعی شتابزدگی و فرم‌گرایی در سیاستگذاری داشت و اختصاص بیش از دوسوم مصوبات در مورد لرها، علاوه بر تأثیر

پی‌نوشتها

۱- درباره سرشت دولت پهلوی اول و همانندیها و غیر همانندیهای آن با دولت مطلقه و دولت مدرن نک: نفیسه واعظ. (۱۳۸۸). **سیاست عشایری دولت پهلوی اول**، تهران: نشر تاریخ: ۵۸.

۲- ماده واحده- مجلس شورای ملی ریاست عالیہ کل قوای دفاعیه و تأمینیه (امنیه) مملکتی را مخصوص آقای رضاخان سردار سپه دانسته که با اختیارات تامه در حدود قانون اساسی و قوانین مملکتی انجام وظیفه نمایند و سمت مزبور بدون تصویب مجلس شورای ملی از ایشان سلب نتواند شد.

این قانون که مشتمل بر یک ماده بود، در جلسه بیست و پنجم دلو یک هزار و سیصد و سه شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید (رئیس مجلس شورای ملی، مومن‌الملک).

مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره پنجم: ۲۵۳ و ۲۵۴.

۳- در نشریه **ناهید** در وصف این ویژگی رضاشاه آمده است: «همین قدر می‌گوئیم که شاهنشاه ما به واسطه فقدان اسباب و نداشتن و نبودن مردان کار باید در تمام امور جزئی و کلی مملکت شخصاً حاضر و ناظر بوده مراقبت بفرماید» نک: **ناهید**، سال هشتم، ش ۲۸ (شنبه ۵ آبان ماه ۱۳۰۷)، ص ۱.

۴- بولارد چنین تصویری را از رضاشاه در ذهن داشت: «با جزئیات هر مسأله که ظاهراً به وزرای امور خارجه، جنگ و مالیه ارتباط دارد، آشناست. در واقع، او خودش به همه کارها می‌رسد...» شاه در هر اداره دخالت می‌کند، وزرا را می‌زند و به طور کلی، همان طور که مردمش درباره او می‌اندیشند: «مثل یک احمق طماع وحشی رفتار می‌کند» (بولارد، ۱۳۶۲: ۲۵). شایان ذکر است بولارد با آن که به چهارده مورد از خطاهای رضاشاه اشاره می‌کند، اما عملکرد رضاشاه درباره ایلات و عشایر را به سکوت برگزار می‌کند.

۵- دفتر مخصوص شاهنشاهی برای دایره انتظامات وزارت

کشور «فرمان مطاع مبارک شاهانه» درباره اسکان ایلات فارس را یادآور می‌شود و اداره انتظامات کشور، پیرو اجرای این فرمان به استاندار فارس تلگراف می‌زند که «مقصود به صورت مطبوعی انجام گیرد و شکایاتی فراهم نشود». برای آگاهی از نحوه اجرای این فرمان نک: **سازمان اسناد ملی ایران**، سند شماره ۲۹۳۰۰۶۹۷، شماره فیش ۰۰۰۵۰۰۱۵، ۱۰۰۳، آرشیو ۴۲۸ ظ ۴ آج.

منابع

۱- سازمان اسناد ملی ایران

شماره‌های (۲۹۱۰۰۳۵۸۴ ش.ف. ۰۰۰۵۰۰۱۵)، (۲۹۰۰۰۲۴۶۲ ش.ف. ۰۰۰۴۰۲۲۴)، (۲۴۰۰۱۵۹۵۱ ش.ف. ۲۹۱، ۱۷۹)، (۲۴۰۰۱۷۹۶۲ ش.ف. ۰۳۲۷۰۰۱۲)، (۲۴۰۰۱۵۹۸۹ شماره فیش آن ثبت نشده است)، (۲۴۰۰۱۵۹۸۵ ش.ف. ۲۱۲۰۲۹۱)، (۲۴۰۰۱۵۹۷۶ ش.ف. ۲۹۱۰۲۰۳)، (۲۴۰۰۱۵۹۶۸ ش.ف. ۲۹۱۰۱۹۵)، (۲۴۰۰۱۵۹۲۲ ش.ف. ۲۹۱۰۱۵۰)، (۲۴۰۰۱۲۸۸۹ ش.ف. ۲۴۰۰۰۲۶۴)، (۲۴۰۰۰۲۶۴۰۰۴۵)، (۲۴۰۰۱۲۹۰۱ ش.ف. ۲۴۰۰۰۲۶۴)، (۲۴۰۰۱۵۸۱۱ ش.ف. ۲۴۰۰۱۱۸)، (۲۴۰۰۲۱۴۵۷ شماره فیش ندارد)، (۲۹۳۰۰۴۵۳۵ ش.ف. ۰۰۳۲۰۰۲۶)، (۲۴۰۰۲۲۵۲۹ ش.ف. ۰۰۳۹۰۰۰۷)، (۲۴۰۰۲۱۲۸۸ ش.ف. ۲۴۰۰۰۳۴)، (۰۳۸۴۰۰۳۴)، (۲۴۰۰۹۰۴۲ ش.ف. ۱۸۱۰۰۱۸)، (۲۴۰۰۱۴۵۱۱ ش.ف. ۲۸۱۰۰۵۸)، (۲۴۰۰۰۹۹۲ ش.ف. ۰۲۰۲۰۰۰۴)، (۲۹۰۰۰۴۰۶۶ ش.ف. ۰۰۰۶۰۴۸)، (۲۹۱۰۰۱۷۷۵ ش.ف. ۰۰۰۶۰۴۸)، (۲۴۰۰۱۲۳۰۰ ش.ف. ۰۲۵۵۰۰۵۷)، (۲۹۱۰۰۳۶۳۸ ش.ف. ۰۰۲۰۰۰۰۱)، (۲۹۷۰۰۴۸۹۸ ش.ف. ۰۰۳۳۰۰۰۹)، (۲۹۷۰۰۴۸۷۴ ش.ف. ۰۰۳۳۰۰۰۶۶).

۲- اسناد چاپ شده

مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات در چهار دوره اول،

من یا تاریخ صد ساله ایران، ج ۲. ویراستار: حسن مرسلوند، تهران: کارنگ.

۴- اکبری، محمد علی. (۱۳۸۱). بررسی برنامه ریزی دولتی در حوزه تأمین اجتماعی، ج ۱، ۱۲۸۵، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تاریخ اجتماعی.

۵- اکبری، محمد علی. (۱۳۸۳). دولت و فرهنگ در ایران، تهران: فرهنگ.

۶- الوانی، مهدی. (۱۳۷۷). تصمیم گیری و تعیین خط مشی دولتی، تهران: سمت.

۷- بلوشر، وپرت. (۱۳۶۳). سفرنامه بلوشر (گردش روزگار در ایران)، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.

۸- بولارد، ریدر اسکراین کلارامونت. (۱۳۶۲). شترها باید بروند! به کوشش حسین ابوترابیان، تهران: مرکز.

۹- بهار، محمد تقی. (۱۳۷۹). تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران (انقراض قاجاریه)، تهران: امیر کبیر.

۱۰- تقی زاده، حسن. (۱۳۶۸). زندگی طوفانی، خاطرات سید حسن تقی زاده، به کوشش ایرج افشار، تهران: علمی.

۱۱- جعفری، اکبر. (۱۳۸۲). تجدید نظرهای چند گانه در قانون اساسی مشروطه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۲- جهانبانی، امان الله. (بی تا). سرباز ایرانی و مفهوم آب و خاک، به کوشش پرویز جهانبانی، تهران: {بی نا}.

۱۳- حکمت، علی اصغر. (۱۳۵۳). سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی، تهران: وحید.

۱۴- سردار اسعد، جعفر قلی. (۱۳۷۲). خاطرات

دوم، سوم، چهارم، تهران، مطبوعه مجلس، بی تا. مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات در دوره پنجم قانونگذاری از ۲۲ دلو ۱۳۰۲ تا ۲۱ بهمن ۱۳۰۴، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۴. مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره ششم از ۲۲ مرداد تا ۱۳۰۷، اداره مطبوعات و اطلاعات، ۱۳۳۳. مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره هفتم قانونگذاری از ۱۴ مهر ماه ۱۳۰۷ تا ۱۴ آبان ۱۳۰۹، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۵. مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره هشتم قانونگذاری ۲۵ دی ماه ۱۳۰۹ تا ۲۵ دی ۱۳۱۱، چاپخانه مجلس، ۱۳۲۵. مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره نهم تقنینیه از ۲۴ فروردین ۱۳۱۲ تا ۲۴ فروردین ۱۳۱۴، اداره مطبوعات و اطلاعات مجلس شورای ملی، ۱۳۲۹.

۳- نشریات

اطلاعات، ۲۵ دی ۱۳۰۸، ۱۵ ژانویه ۱۹۳۰، ص ۱۸، ۳ اردیبهشت ۱۳۰۷، ۲۸ آوریل ۱۹۲۸، ص ۱. ۱۶ خرداد ۱۳۰۶، ۷ ذیحجه ۱۳۴۵، ص ۲. جبل المتین، سال سی و هشتم (۲۸ مرداد ۱۳۰۹)، ص ۲۸. ناهید سال هشتم (۸ دی ۱۳۰۷)، ص ۲.

۴- کتابها

۱- آبراهامیان، پرواند. (۱۳۷۸)، ایران میان دو انقلاب، مترجمان کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری، محسن مدیر شانه چی، تهران: مرکز.

۲- اردلان، امان الله. (۱۳۷۲). خاطرات حاج عزّ الممالک اردلان؛ زندگی در دوران شش پادشاه، تنظیم و تحشیه باقر عاقلی، تهران: نامک.

۳- اعظام قدسی (اعظام الوزاره). (۱۳۷۹). خاطرات

- ۲۳- میلسپو، آرتور. (۱۳۷۰). **آمریکاییها در تهران** (خاطرات دوران جنگ جهانی دوم)، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز.
- ۲۴- نوری اسفندیاری. (۱۳۳۵). **رستاخیز ایران**، مدارک، مقالات و نگارشهای خارجی ۱۳۲۳-۱۲۹۹، تهران: چاپخانه سازمان برنامه و بودجه.
- ۲۵- واعظ، نفیسه. (۱۳۸۲). "انتقال قدرت از قاجاریه به پهلوی"، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، ش ۲۴، صص ۱۲۹-۱۴۷.
- ۲۶- واعظ، نفیسه. (۱۳۸۸). "اهداف و روند سیاست فرهنگی دولت پهلوی اول برای ایلات و عشایر"، **مجله علمی - پژوهشی علوم انسانی**، پیاپی ۷۷، سال نوزدهم، دوره جدید، ش ۱، صص ۱۳۵-۱۶۳.
- ۲۷- واعظ، نفیسه. (۱۳۸۸). **سیاست عشائری دولت پهلوی اول**، تهران: نشر تاریخ، چاپ اول.
- ۲۸- یکرنکیان، میر حسین. (۱۳۸۴). **سیری در تاریخ ارتش ایران از آغاز شهریور ۱۳۲۰**، تهران: خجسته.
- ۲۹- هدایت، مهدیقلی. (۱۳۷۵). **خاطرات و خطرات توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من**، تهران: زوار.
- 30-Burrell, R., M., (1997), *Iran Political Diaries 1881-1965*, vol 6, London.
- 31-Arfa, Hassan., (1964), *Under five shahs*, Landon.
- 32-Avery, P., (1991), *The Cambridge History of Iran*, London.
- سردار اسعد بختیاری، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- ۱۵- سیف پور فاطمی، نصرالله. (۱۳۷۸). **آئینه عبرت؛ خاطرات دکتر سیف پور فاطمی**، به کوشش علی دهباشی، تهران: سخن.
- ۱۶- شیخ الاسلامی، جواد. (بی تا). **صعود و سقوط تیمور تاش** (به حکایت اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلستان) با مقدمه، تعلیقات، توضیحات و حواشی جواد شیخ الاسلامی، تهران: بی نا.
- ۱۷- صدر، جواد. (۱۳۸۱). **نگاهی از درون، خاطرات سیاسی دکتر جواد صدر**، به کوشش مرتضی رسولی پور، تهران: علم.
- ۱۸- صفائی، ابراهیم. (۱۳۵۴). **رضاشاه کبیر در آئینه خاطرات**، تهران: انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
- ۱۹- کرونین، استفانی. (۱۳۸۳). **رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین؛ دولت و جامعه در زمان رضاشاه**، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: جامی.
- ۲۰- متین دفتری، احمد. (۱۳۷۱). **خاطرات یک نخست وزیر**، به کوشش باقر عاقلی، تهران: علمی.
- ۲۱- مستوفی، عبدالله. (۱۳۷۱). **شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی دوره قاجاریه**، ج ۳، تهران: زوار.
- ۲۲- مسعودی، عباس. (۱۳۲۹). **اطلاعات در یک ربع قرن**، تهران: مؤسسه اطلاعات.

Archive of SID